

دادرسی اساسی تطبیقی

عنوان پژوهش

دادرسی اساسی در لبنان

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۸۸

تاریخ: ۱۳۹۲/۱۰/۱۱



شناسنامه

عنوان:

دادرسی اساسی تطبیقی
دادرسی اساسی در لبنان

مؤلف:

سید محمد مهدی غمامی

دفتر مطالعات تطبیقی

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۸۸

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۱۰/۱۱

مرکز تحقیقات شورای نگهبان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

چکیده.....	۲
مقدمه.....	۳
۱. تاریخچه‌ی تشکیل شورای قانون اساسی لبنان.....	۶
۲. ساختار و ترکیب شورای قانون اساسی لبنان.....	۸
۳. حقوق و تکالیف اعضای شورا.....	۱۱
۴. کارکردهای شورای قانون اساسی.....	۱۲
۴-۱ نظارت دستوری بر قوانین.....	۱۲
۴-۲ تفسیر قانون اساسی.....	۱۵
۴-۳ رسیدگی به اعتراضات مربوط به انتخابات ریاست جمهوری و مجلس نمایندگان.....	۱۵
۴-۴ رسیدگی به انتخابات مجلس.....	۱۶
جمع‌بندی.....	۱۸
منابع و مأخذ.....	۱۹
یادداشت‌ها.....	۲۱

چکیده

لبنان کشوری ویژه در میان کشورهای خاورمیانه است که از یک سو در موقعیت استراتژیک جغرافیایی قرار گرفته و از سوی دیگر نیز کشوری بی ثبات محسوب می گردد. این بی ثباتی گسترده هم از نظر نظام سیاسی- مذهبی قابل طرح است، چنانکه تشکیل یک ملت منسجم نیازمند وحدت فرهنگی و معنوی است و از این جهت کشور لبنان عنصر معنوی و فرهنگی این انسجام و اتحاد را ندارد و هم از منظر تاریخی به جهت رفتارهای استعماری و مداخله جویانه کشورهای عربی و غربی، و همچنین جنگ های تحمیلی توسط رژیم صهیونیستی، بین نهادهای سیاسی هم نوایی ساختاری و عملکردی وجود ندارد. از این جهت برقراری حاکمیت قانون اساسی در این کشور مسئله ی بغرنجی است که برای حفظ کشور و حیات ملی لبنان ضروری می باشد. تأسیس شورای قانون اساسی لبنان از این جهت اهمیت دوچندانی پیدا می کند که ترکیب این شورا نیز از ائتلاف ها و انتصابات شکننده نشأت می گیرد. این مقاله با بررسی نظام حقوق اساسی لبنان، در نظر دارد تا ساختار، صلاحیت و عملکرد شورای قانون اساسی لبنان را تحلیل نماید.

کلید واژه: قانون اساسی، شورای قانون اساسی، نظارت دستوری، دادخواهی مبتنی بر قانون اساسی، حقوق شهروندی.

مقدمه

از مهم‌ترین ابزارهای تضمین حقوق شهروندی و ثبات سیاسی یک نظام مردم‌سالار وجود دادرسی اساسی است. چنانکه مونتسکیو ابراز می‌کند که «هیچ ضمانتی برای حقوق بشر بدون نظارت دستوری (نظارت مبتنی بر قانون اساسی) بر قوانین نیست» (شافی، ۲۰۰۸)

نظام حقوق اساسی لبنان از جهات بسیاری قابل توجه است و البته اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که به خاطر فرقه‌گرایی سیاسی حکومتی، دارای پیچیدگی‌های چندبعدی است که بحران‌های سیاسی قابل توجهی را در آن کشور به وجود آورده و همچنان نیز قابلیت آن بحران‌ها را دارد. در هر صورت شناخت این نظام سیاسی برای درک کارکرد و ساختار شورای قانون اساسی لبنان بسیار ضروری است. لبنان یک جمهوری مردم‌سالار پارلمانی^(۱) است که نمایندگان آن نیز در قالب نظام کنفسیونالیسم^(۲) (عربی: طائفه‌ای) کرسی‌های تناسبی مجلس را برای چهار سال را در یک انتخابات مستقیم به‌دست می‌گیرند. پارلمان یک رئیس جمهور را برای شش سال - از میان مسیحیان مارونی - برای صرفاً یک دوره انتخاب می‌نماید، و نخست وزیر - مسلمان سنی - با پیشنهاد رئیس جمهور به پارلمان منصوب تعیین می‌گردد. نخست وزیر کابینه را تشکیل و هر دو در مقابل مجلس مسئول هستند. (Robbers, 2007: 522) مطابق فرع (۱) جزء «ب» بند (۳) ماده (۱) پیمان طائف، یک شورای عالی^(۳) محاکمه‌ی روسی قوا و وزرا را مبتنی بر صلاحیت‌هایشان بر عهده دارد.

با این حال از اواسط ۱۹۷۰ تا انتخابات ۱۹۹۲ مجلس، جنگ داخلی مانع اعمال این نظام سیاسی شد. البته پیمان طائف به مردم امکان تغییر حکومت را داده است. در جهت تلاش برای برابری مسیحیان و مسلمانان، ماده (۲۴) قانون اساسی، نظام حقوق اساسی لبنان کنفسیونالیسم تنظیم شده است یعنی سیاست و نهادهای سیاسی میان مذاهب و ادیان تقسیم شده است. جدول زیر نشانگر نظام طائفه‌ای حاکم بر پارلمان لبنان است.

جدول شماره (۱): نظام کنفسیونالیسم در مجلس ملی لبنان

ترکیب مجلس لبنان		
مذهب	قبل از پیمان طائف	بعد از پیمان طائف
<u>مارونی</u>	۳۰	۳۴
<u>یونانی ارتدوکس</u>	۱۱	۱۴
<u>یونانی کاتولیک</u>	۶	۸
<u>ارمنی ارتدوکس</u>	۴	۵
<u>ارمنی کاتولیک</u>	۱	۱
<u>پروتستان</u>	۱	۱
سایر مسیحیان	۱	۱
مجموع مسیحیان	۴۵	۶۴
<u>اهل سنت</u>	۲۰	۲۷
<u>شیعیان</u>	۱۹	۲۷
<u>علویه</u>	۰	۲
<u>دروزی</u>	۶	۸
مجموع مسلمانان	۴۵	۶۴
مجموع نمایندگان مجلس	۹۹	۱۲۸

لبنان در تاریخ ۲۲ آذر ۱۹۲۰ میلادی در یک گردهمایی بزرگ در شهر بعیدا در نزدیکی لبنان اعلام استقلال کرد که با تجزیه عثمانی، تا ۲۶ نوامبر ۱۹۴۱ میلادی تحت قیمومیت فرانسه قرار گرفت و عملاً با تصمیم مجلس در ۲۲ نوامبر ۱۹۴۳ میلادی مبنی بر لغو حاکمیت یک قدرت قیم، استقلال واقعی را تجربه نمود. (پروین، ۱۳۸۶: ۷۸-۷۹)

قانون اساسی لبنان در ۲۳ ماه مه سال ۱۹۲۶ میلادی به تصویب رسید.^(۴) این قانون بر اساس منشور آشتی ملی^(۵) لبنان تحت عنوان «پیمان طائف»^(۶) شامل چهار ماده در اکتبر ۱۹۸۹ میلادی با اصلاحات اساسی مواجه شد. پیمان طائف (در عربستان) در نظام حقوق اساسی لبنان یک سند بسیار مهم محسوب می‌گردد که مبنای اتمام جنگ داخلی و بازگشت وضعیت عادی سیاسی به لبنان می‌باشد.^(۷) (Krayem, 2012)

این پیمان نظام سیاسی را بر اساس جمعیت مسلمان به نفع آنها متمایل کرد، بین فرق مختلف لبنانی و نمایندگان سیاسی آنها یک همزیستی دوجانبه^(۸) (جزء «ی» بند (۱) ماده (۱)) به عنوان مبنای نظام مردم‌سالار پارلمانی^(۹) (جزء «ج» بند (۱) ماده (۱)) برقرار گردید. در واقع استعمار فرانسه برای جامعه‌ی اندک مسیحیان مارونی^(۱۰) قدرت ویژه‌ای را در نظر گرفته بود به این ترتیب که رئیس جمهور مسیحی مارونی و نخست وزیر مسلمان سنی بود. قبل از مذاکرات طائف رئیس جمهور (امین جمیل) یک مسیحی مارونی (ژنرال میشل عون) را به عنوان نخست وزیر در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۸ منصوب کرد. این اقدام بحران سیاسی لبنان را جدی‌تر کرد چرا که پیمان ملی ۱۹۴۳ پست نخست وزیری را برای یک مسلمان سنی در نظر گرفته بود و به همین دلیل «عمر کرمی» پست نخست وزیری و دفتر آن را نگه داشت. پس از طائف، نخست وزیر مطابق جزء (ج) بند «۲» ماده (۱) پیمان، رئیس هیئت وزیران و دارای اختیاراتی مطابق نه بند پیمان طائف؛ و نسبت به پارلمان مسئول و پاسخگو شد و رئیس جمهور مطابق جزء (ب) بند «۲» ماده (۱) پیمان طائف «پاسدار قانون اساسی و حافظ استقلال قانون اساسی، وحدت و تمامیت ارضی و فرمانده کل قوای مسلح» و دارای اختیارات متعدد در ۱۷ بند شد. به علاوه پیمان طائف فرمول نسبت قدرت ۵۰:۵۰ مسیحیان را به هم زد و قدرت نخست وزیر سنی را بیشتر کرد.^(۱۱) «بر اساس یک قاعده‌ی نانوشته مبتنی بر پیمان ۱۹۴۳، رئیس جمهور یک مسیحی مارونی، نخست وزیر یک مسلمان سنی و رئیس مجلس یک مسلمان شیعه است».^(۱۲) مطابق اصلاحات ناشی از پیمان طائف «اختیارات رئیس جمهور محدود شد در حالی که اختیارات نخست وزیر و رئیس مجلس افزایش یافت».^(۱۳)

«قانون اساسی لبنان، اختیار قانونگذاری را در گذشته به دو مجلس سنا و مجلس نمایندگان واگذار کرده بود، [طبق] اصل شانزدهم پیشین دو مجلس سنا و مجلس نمایندگان، قوه مقننه را اعمال می‌کند. اما با اصلاحیه ۱۹۲۷ این اصل منسوخ و تغییر یافت و فقط یک مجلس یعنی مجلس نمایندگان، قوه مقننه را اعمال کرد، لیکن اصلاحیه ۱۹۹۰/۹/۲۱ این اصل را دوباره احیاء کرد به این ترتیب که با انتخاب اولین مجلس نمایندگان بر اساس نظام ملی و نه تناسب مذهبی، مجلس سنایی تأسیس خواهد شد که تمامی جوامع فکری در آن نمایندگی دارند و اختیارات آن محدود به مسائل خیلی مهم ملی باشد. (پروین، ۱۳۸۶: ۹۳-۹۴) با این وجود، چنین مجلسی همچنان شکل نگرفته است و اگرچه بر اساس ماده (۲۴) و (۹۵) قانون اساسی، مجلس

نمایندگان باید فارغ از گرایش‌های مذهبی باشد، این تکلیف نیز هنوز اجرایی نشده است. مجلس نمایندگان لبنان با ۱۲۸ کرسی بین مسلمانان و مسیحیان به‌طور مساوی تقسیم شده است (فرع «۵» جزء (أ) بند «۲» ماده (۱) پیمان طائف) که با رای مستقیم انتخاب می‌گردند، هرچند که جمعیت مسلمانان بسیار بیشتر از مسیحیان است. البته جزء (ز) بند «۲» ماده (۱) پیمان طائف، به عنوان یک اولویت ملی لازم دانسته بود تا فرقه‌گرایی سیاسی^(۱۴) ملغی شود ولی هیچ زمانی را برای تحقق آن تعیین نکرد. به این ترتیب، این فرقه‌گرایی هم‌چنان حاکم است و بر همین اساس، شورای قانون اساسی در جهت تضمین «اصل هماهنگی بین دین و دولت»^(۱۵) اقدام به تأمین «احوال شخصیه»^(۱۶) «آزادی اعتقاد و انجام مناسک دینی»^(۱۷) و «آزادی آموزش مذهبی»^(۱۸) می‌کند.

مطابق بند (۱) ماده (۲) پیمان طائف همه گروه‌های شبه نظامی لبنانی و غیر لبنانی^(۱۹) باید خلع سلاح شوند مگر حزب‌الله و گروهی فلسطینی (فتح، حماس و جبهه آزادی‌بخش مردمی فلسطین (فرماندهی کل))^(۲۰) که این امتیاز را به عنوان یک گروه مقاومت علیه رژیم صهیونیستی به‌دست آورده‌اند.

بر اساس ماده (۳) پیمان طائف و در اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل از جمله قطعنامه شماره ۴۲۶ در خصوص اتمام اشغال جنوب لبنان، از یک سو نیروهای حافظ صلح و یونیفیل^(۲۱) در مرزهای جنوب مستقر و از سوی دیگر توافق‌نامه صلح ۲۳ مارس ۱۹۴۹ می‌بایست اجرا شود. جالب آنکه در حالی که جنوب لبنان تحت اشغال رژیم صهیونیستی بود طبق این ماده سوریه باید ظرف دو سال و بعد از شکل‌گیری نیروی انتظامی لبنان از خاک لبنان خارج می‌شد.

در لبنان اصل حاکمیت قانون پذیرفته شده است؛ به این معنا که «قانون اساسی مافوق تمامی سلسله مراتب قوانین داخلی است و تمامی مقررات قانونی مغایر قانون اساسی بر اساس ماده (۱۰۲) قانون اساسی فاقد اعتبار و باطل تلقی می‌گردند. تمام معاهداتی که لبنان به آن ملحق می‌گردد نیز در حکم قانون می‌باشد». (Robbers, 2007: 522) به خصوص آنکه نظام سیاسی لبنان در فرآیندی پیچیده شکل گرفته، و دوام و بقای نظم اساسی در این کشور بیش از هر چیز وابسته به حاکمیت قانون اساسی است.

۱. تاریخچه‌ی تشکیل شورای قانون اساسی لبنان

چنانکه توضیح داده شد گرچه در هر کشوری وجود نهاد نظارت‌کننده برای

تضمین حاکمیت قانون اساسی الزامی است، ولی لبنان با وضعیت خاصی که دارد نیازمند نهادی است که پیچیدگی‌های سیاسی خاص آن را با اجرای صیانت از قانون اساسی حفظ کند. این صلاحیت نه به دادگاه‌های قضائی (ماده ۲) قانون اصول محاکمات مدنی) اعطا شده است و نه به دادگاه‌های اداری (ماده ۱۵ قانون شورای دولتی مورخ ۱۴/۶/۱۹۷۵). در این راستا، ابتدا این وظیفه‌ی رئیس جمهور بود که نظام تأمینی را مستقر کند ولی با تصویب قانون دستوری شماره ۱۸ مورخ ۲۱/۹/۱۹۹۰ میلادی این صلاحیت بر اساس پیمان طائف برای شورای قانون اساسی مستقر گشت (عبد العزیز، ۲۰۰۸) و قانون مربوط به آن از سال ۱۹۹۳ میلادی لازم‌الاجرا شد. بر اساس ماده‌ی (۱) قانون شورا و آیین‌نامه داخلی آن^(۲۲): «شورای قانون اساسی یک نهاد دستوری مستقل با وصف قضایی است که کنترل دستوری قوانین و تصمیم‌گیری در خصوص اختلافات و دعاوی ناشی از انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی را برعهده دارد». البته لازم به ذکر است که در خصوص ماهیت شورای قانون اساسی لبنان میان حقوقدانان لبنانی توافقی وجود ندارد؛ چنانکه برخی آن را یک دادگاه و برخی آن را یک نهاد سیاسی همانند شورای قانون اساسی فرانسه می‌دانند. به هر ترتیب، «اختلاف در خصوص ماهیت شورا به حسب ماده اول قانون ایجاد شورای قانون اساسی به شماره ۹۳/۲۵۰ پایان یافته است، چرا که بر اساس نص این ماده شورای قانون اساسی نهادی دستوری، مستقل با وصف قضایی است. این متن در ماده (۱) قانون آیین نامه داخلی شورای قانون اساسی [نیز] آمده است. علاوه بر این ماده (۱۳) قانون ایجاد شورای قانون اساسی، قرارهای صادره از شورا را دارای ارزش قضایی دانسته و آنها را برای کلیه قوا و مراجع قضایی و اداری لازم‌الاتباع تلقی نموده است؛ چنانکه قرارهای شورای قانون اساسی قطعی و به هیچ روش عادی و غیر عادی قابل تجدیدنظر خواهی نمی‌باشند». (شافی ۲۰۰۸) با این وجود، این مسئله قابل طرح است که شورای قانون اساسی لبنان همان کارویژه‌های شورای قانون اساسی فرانسه را دارد، مگر در یک مورد که مطابق با آن با درخواست سران مذهبی، صلاحیت رسیدگی‌های محدودی را به واسطه‌ی اقتضائات ناشی از پیمان طائف در امور مذهبی - پذیرفته است. (ماده (۳۰) قانون آیین‌نامه داخلی شورای قانون اساسی مبتنی بر ماده (۱۹) قانون شماره ۹۳/۲۵۰) این همانندی اتفاقی نیست و ناشی از گرتةبرداری نظام حقوقی لبنان - و همچنین سوریه - از نهادهای سیاسی دولت فرانسه به عنوان دولت قیم آن بعد از تجزیه از امپراطوری عثمانی (از ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۳) و بر اساس قرارداد

محرمانه سایکس - پیکو^(۲۳) (۱۹۱۶) فیما بین انگلیس و فرانسه است. (Ziser, 2000, 28) به علاوه آنکه دادگاه قانون اساسی بودن نیازمند پذیرش امکان طرح دعوا مبتنی بر قانون اساسی برای شهروندان می‌باشد. در حالی که شهروندان لبنانی حق مراجعه به شورای قانون اساسی را ندارند.

«قانون اساسی لبنان به رئیس جمهور بر اساس اختیار پاسداری از قانون اساسی و سوگندش نسبت به احترام به حاکمیت قانون اساسی^(۲۴)، نوعی از کنترل سیاسی داده بود تا وی بتواند در صورتی که قانون مصوب مجلس نمایندگان را مغایر قانون اساسی تشخیص دهد، آن را مجدداً به مجلس اعاده کند و اگر مجلس بر این قانون اصرار می‌ورزید، رئیس جمهور به استناد مواد ۵۰، ۵۵ و ۵۷ حق انحلال پارلمان را می‌یافت.» (شافی، ۲۰۰۸) درعین حال بعد از پیمان طائف و در نظر گرفتن شورای قانون اساسی با صلاحیت‌های متعدد از جمله کنترل دستوری و البته سال‌ها بعد این شورا بر اساس «قانون شورا و آیین‌نامه داخلی آن» به شماره ۱۹۹۳/۲۵۰ (مورخ ۱۹۹۳/۷/۱۵) شورای قانون اساسی لبنان تشکیل شد. این قانون بارها توسط قوانین آتی شامل قانون شماره ۱۹۹۴/۳۰۵ مورخ ۱۹۹۴/۳/۲۱، قانون شماره ۱۹۹۹/۱۵۰ مورخ ۱۹۹۹/۱۰/۳۰، قانون مورخ ۲۰۰۶/۶/۹، قانون شماره ۲۰۰۸/۴۳ مورخ ۲۰۰۸/۱۱/۳ اصلاح شد.

۲. ساختار و ترکیب شورای قانون اساسی لبنان

بر اساس ماده (۲) قانون آیین‌نامه داخلی شورای قانون اساسی لبنان «شورای قانون اساسی از ده عضو تشکیل شده که نیمی از آنها توسط مجلس نمایندگان و نیمی دیگر توسط هیئت وزیران بر اساس ماده (۲) قانون شماره ۱۹۹۳/۲۵۰ که با قانون شماره ۹۹/۱۵۰ اصلاح شده، تعیین می‌گردد.» با وجود آنکه این نهاد برداشتی از شورای قانون اساسی فرانسه است و در آنجا تعداد اعضا فرد (نه نفر) است ولی در شورای قانون اساسی لبنان تعداد ده نفر است که رأی رییس - مطابق با مفاد ماده (۲۸) قانون آیین‌نامه داخلی شورای قانون اساسی لبنان - در صورت تساوی تعیین کننده است. از این جهت بهتر بود تعداد اعضای شورا، فرد در نظر گرفته می‌شد چراکه توجیهی غیر از ضرورت برای بیشتر ارزش دادن به یک رأی وجود ندارد. (شافی، ۲۰۰۸)

ماده (۲) قانون شماره ۱۹۹۳/۲۵۰ که با قانون شماره ۹۹/۱۵۰ اصلاح شده چنین عنوان می‌کند که «۱- نیمی از اعضای شورای قانون اساسی که توسط با رأی

اکثریت مطلق نمایندگان مجلس شورای ملی در دور اول انتخاب می‌گردند و اگر انتخاب به دور دوم منتهی شود، در دور دوم با اکثریت نسبی اقدام به انتخاب اعضای شورا می‌کنند. اگر آراء در این دور نیز برابر شد، کسی که از نظر سنی بزرگ‌تر است منتخب محسوب می‌شود. ۲- نیم دیگر از اعضای شورا با اکثریت دوسوم اعضای هیئت وزیران منصوب می‌گردند. همانطور که مجلس و مسئولیت‌های سیاسی طبق پیمان طائف به صورت فرقه‌ای و طائفه‌ای توزیع شده است «شورای قانون اساسی نیز از ده عضو منطبق بر نظام نسبت طائفه‌ای میان مسلمانان و مسیحیان تشکیل می‌گردد». این طائفه‌گرایی سیاسی مشکلات عمده‌ای را ایجاد می‌کند چنانکه «به دلیل عدم اهتمام و عدم ایجاد توافق در مجلس یا هیئت وزیران در انتخاب اعضا - که خود مبتنی بر طائفه‌گرایی شکل گرفته و اداره می‌شوند فعالیت شورای قانون اساسی مختل شده و شورا نمی‌تواند به وظایف و مسئولیت‌های خود بپردازد». (شافی، ۲۰۰۸)

مطابق با بند (۱) ماده‌ی (۳) قانون شماره ۳۰ مورخ ۲۰۰۶/۶/۱۲ که ماده (۳) قانون شماره‌ی ۹۹/۱۵۰ را اصلاح کرده است، شرایط عضویت در شورای قانون اساسی عبارتند از:

«ا- هشت عضو از میان قضات شاغل و یا قضات افتخاری که در دادگاه‌های قضایی، اداری یا مالی حداقل ۲۵ سال قضاوت کرده‌اند یا از میان اساتید تحصیلات عالی که در حوزه‌ای از حوزه‌های تقنینی - حوزه‌هایی که در آنها قانون وضع شده است- حداقل ۲۵ سال فعالیت کرده یا از بین وکلایی که حداقل ۲۵ سال به امر وکالت مشغول بوده‌است.

ب- دو عضو از میان دارندگان مدرک دکتری در علوم سیاسی و حقوق».

همچنین در بند (۲) همین ماده آمده است:

«۱- حداقل از ده سال قبل لبنانی باشد، از حقوق مدنی متمتع باشد و مرتکب جنایت یا جرمه‌ی شرم‌آور^(۲۵) نشده باشد.

۲- سن اعضا باید حداقل ۵۰ سال و حداکثر ۷۴ سال [در زمان انتخاب] باشد.

۳- فردی که تقاضای عضویت در شورای قانون اساسی را دارد و شروط عضویت را داراست لازم است رزومه مفصلی از خود تهیه و آن را به دبیرخانه شورای قانون اساسی تحویل دهد. شروع زمان بررسی شرایط از نود روز قبل از انقضاء دوره‌ی یکی

از اعضا شروع و سی روز پس از آن تمام می‌گردد...".

بر اساس ماده (۳) قانون آیین‌نامه داخلی شورای قانون اساسی لبنان، اعضا برای شش سال و با یاد کردن قسم - مطابق ماده شش در مقابل رئیس جمهور- دوره‌ی عضویت خود را شروع و تا شروع دوره‌ی عضو بعدی و سوگند یادکردن عضو جدید، عضو سابق طبق ماده (۴) به مأموریت خود ادامه خواهد داد تا به هر دلیلی اگر در نظام شکننده و کنفسیونالیستی لبنان عضو بعدی بر روی کرسی خود نشست شورای قانون اساسی با خلل روبرو نشود. پس از شش سال نیز دوره‌ی خدمت اعضا قابل تمدید نیست. (Robbers, 2007: 523)

همچنین بر اساس ماده پنجم قانون آیین‌نامه داخلی شورای قانون اساسی لبنان در صورتی که یک کرسی خالی شود، رئیس شورا باید ظرف یک هفته به مرجع انتخاب کننده‌ی آن کرسی اعلام نماید تا ظرف یک ماه کرسی خالی را با یک عضو جدید پر شود. عضو جدید برای مدت باقی مانده صلاحیت پیدا می‌کند مگر اینکه مدت باقی مانده کمتر از دو سال باشد.

مطابق با ماده‌ی هفتم قانون مزبور، رئیس شورا مسن‌ترین فرد یا یکی از سه نفر مسن از میان اعضا است که نائب رئیس نیز از میان آنها انتخاب خواهد شد. جوان‌ترین عضو نیز امور مربوط به ثبت و ضبط مجموعه را بر عهده دارد.

رأی‌گیری در شورا در خصوص امور اداری و مالی بر اساس رای اکثریت نسبی است و مطابق ماده (۲۸) قانون آیین‌نامه داخلی شورای قانون اساسی لبنان اگر آراء طرفین برابر باشد، رأی رئیس تعیین کننده است. جلسات برای رای‌گیری نیازمند حضور حداقل هشت نفر می‌باشد.

بر اساس ماده (۲۱) قانون آیین‌نامه داخلی شورای قانون اساسی، رئیس شورای قانون اساسی صرفاً می‌تواند اختیارات مالی و اداری (به غیر از امور مربوط به قانون اساسی) شورا را به وزیر دادگستری تفویض کند و مطابق ماده (۲۲) نائب رئیس، وظایف رئیس را در صورت غیبتش، در کلیه امور بر عهده دارد.

دفتر شورا از رئیس شورا و دو عضو شورا به انتخاب هیئت عمومی تشکیل می‌شود. بر اساس ماده (۲۳) یکی از این دو عضو، به عنوان دبیر شورا برگزیده می‌شود. در این انتخاب در صورت برابری آراء، آرائی که همراه رئیس است معتبر

خواهد بود. وظایف دفتر مطابق ماده (۲۵) عبارتند از:

«۱- اطمینان از عملکرد مناسب شورا و مراقبت از امور کارکنان و اتخاذ تصمیمات مناسب در این زمینه؛

۲- تهیه پیش نویس بودجه شورا و نظارت بر اجرای آن؛

۳- ارایه مشورت در امور مربوط به شورا به مجمع عمومی".

بر اساس ماده (۳۹) نیز - علاوه بر ماده (۱۹) - عضوی که به قصد عدم امضای تصمیم صادره و به نتیجه رسیدن آن از حضور امتناع کند، مستعفی شناخته می شود.

۳. حقوق و تکالیف اعضای شورا

مطابق با ماده نهم قانون آیین نامه داخلی شورای قانون اساسی «جمع میان عضویت در شورا و ریاست یا عضویت در مجلس نمایندگان یا هیئت وزیران یا موسسات عمومی و خصوصی چه در قبال حق الزحمه و چه به صورت افتخاری ممنوع است، مگر تدریس در دانشگاه و مشارکت در همایش ها و فعالیت های علمی بعد از موافقت کتبی رئیس شورا». همچنین همین ماده اعضای شورا را از هرگونه رفتار و گفتار خلاف شأن و اعتبار شورای بر حذر داشته و آنها را ملزم به حفظ اسرار مذاکرات می کند.

با توجه به وظیفه ای که برای اعضای شورا در نظر گرفته شده است، اعضا از مصونیت قضایی برخوردار هستند و مطابق ماده نهم «در غیر از جرائم مشهود، طرح دعاوی کیفری علیه عضو شورای قانون اساسی یا اجرای هرگونه مجازات صادره یا دستگیری وی در مدت عضویت امکان پذیر نمی باشد، مگر با حکم هیئت عمومی". فرآیند خروج از مصونیت نیز بر اساس ماده دهم بدین ترتیب است که «وزیر دادگستری پیگیرد قانونی را از دادستان کل دیوان عالی کشور^(۲۶) شامل نوع جرم، زمان و مکان جرم و خلاصه ادله ی موجهی تعقیب یا اجرای مجازات مقتضی را درخواست می نماید".

بر اساس ماده (۱۶) قانون فوق الذکر، اعضای شورای قانون اساسی بعد از اتمام دوره ی خدمتشان از همان حقوق و امتیازاتی برخوردارند که اعضای شاغل برابر قوانین و مقررات از آن برخوردارند. همچنین اعضا می توانند در صورت درخواست و

البته بعد از اتمام سه سال، از امتیاز ماده سوم اصلاحی قانون تشکیل مجلس بازنگري قانون اساسی^(۲۷) (بخش دوم)، بهره‌مند گردند. همچنین عضوی که دوره‌ی وی تمام شده است می‌تواند در صورت درخواست رییس شورا از او، در کنفرانس‌های قانون اساسی که شورا در لبنان یا خارج از لبنان برگزار می‌کند^(۲۸) شرکت نماید.

۴. کارکردهای شورای قانون اساسی

بر اساس جزء «ب» بند (۳) ماده (۱) پیمان طائف، شورای قانون اساسی^(۲۹) با سه هدف تشکیل شد: (۱) تفسیر قانون اساسی، (۲) نظارت دستوری (مبتنی قانون اساسی) بر قوانین و (۳) رسیدگی به اختلافات و شکایات ناشی از انتخابات ریاست جمهوری و مجلس. در ادامه هر یک از این صلاحیت‌ها را بیان و تحلیل می‌کنیم. لازم به ذکر است تمامی تصمیمات شورا بر اساس ماده (۵۱) قطعی و غیر قابل تجدید نظر (توسط هر مرجع عادی و غیر عادی) است. و بر اساس ماده (۵۲) تصمیمات شورا اعتبار امر مختومه - قضیه محکوم بها- داشته و برای تمامی قوا و مراجع قضایی و اداری لازم الاتباع بوده و در روزنامه رسمی منتشر می‌گردند.

۴-۱ نظارت دستوری بر قوانین

بر اساس جزء «ب» بند (۳) ماده (۱) پیمان طائف «شورای قانون اساسی در جهت اطمینان از تبعیت تمامی شهروندان و مقامات حکومتی و تأمین توافق قوه‌ی مقننه و مجریه و اجرای اصل «همزیستی مشترک» و «حقوق بنیادین مندرج در این قانون اساسی» ایجاد شده است. مطابق فرع (۲) این جزء «شورای قانون اساسی برای تفسیر قانون اساسی، نظارت دستوری بر قوانین و تصمیم‌گیری در خصوص اختلافات و درخواست‌های ناشی از انتخابات ریاست جمهوری و مجلس تشکیل شد». بر اساس فرع (۳) این جزء «در جهت اجرای اهداف مذکور، حق مراجعه جهت تفسیر و نظارت دستوری با مقامات زیر است: رییس جمهور، رییس مجلس نمایندگان، رییس هیئت وزیران و نسبت معینی از اعضای مجلس نمایندگان». بر اساس ماده (۳۰) قانون آیین‌نامه داخلی شورای قانون اساسی که به ماده (۱۹) قانون شماره ۹۳/۲۵۰^(۳۰) ارجاع داده است: «رییس جمهور، رییس مجلس، نخست وزیر و ده تن از نمایندگان مجلس حق انحصاری درخواست برای بررسی و مشورت شورای قانون اساسی در مورد

مسئله مورد نظرشان را دارند. همچنین رؤسای رسمی جوامع مذهبی نیز می‌توانند موضوعی را که صرفاً مربوط به احوال شخصیه، آزادی عقیده، مناسک مذهبی و آزادی آموزش است در شورا طرح کرده و آن را موضوع مشورت قرار دهند.^(۳۱) به این ترتیب شهروندان حق درخواست رسیدگی بر مطابقت قوانین با قانون اساسی را ندارند و البته غیر از نمایندگان، سایر مقامات نیز کمتر درخواست اعمال نظارت دستوری بر قوانین را دارند. «تاکنون عملاً نمایندگان مجلس از این اختیار استفاده نموده‌اند آن‌هم برای جلوگیری از نافذ شدن رأی اکثریت به تصویب قانونی خلاف قانون اساسی». (خممی زاده، ۱۳۸۸: ۲۴) البته فارغ از اینکه در جزء «ب» بند (۳) ماده (۱) پیمان طائف از علل ایجاد شورا تضمین حقوق بنیادین بر شمرده شده، به طور خاص از آن‌جا که مسئله‌ای تقسیم دینی - طائفه‌ای در لبنان بسیار پر رنگ است، ماده (۹) قانون اساسی لبنان به «آزادی مطلق عقاید» و حمایت تضمینی دولت از «انجام مناسک دینی ادیان» به شرط رعایت نظم عمومی تصریح کرده و به سران روسی رسمی جوامع مذهبی اجازه‌ی طرح دعوی علیه کلیه مصوبات لازم الاجرا در حوزه‌ی احوال شخصیه، آزادی عقیده و مناسک مذهبی و آزادی آموزش داده است.

بر اساس ماده (۳۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورا ظرف مدت ۱۵ روز از زمان انتشار قانون در روزنامه رسمی یا یکی از رسانه‌های قانونی انتشار دهنده، مراجع مذکور حق درخواست رسیدگی به قوانین و سایر مصوبات دارای الزام قانونی^(۳۲) را دارند. «بر این اساس یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های شورای قانون اساسی لبنان با نمونه مشابه آن در فرانسه این است که کنترل قانون اساسی در لبنان بعد از انتشار قانون در روزنامه رسمی به عمل می‌آید. شورای قانون اساسی می‌تواند اجرای قانون را تا زمان اتخاذ تصمیم خود معلق نماید. البته با صدور رأی شورای قانون اساسی مبنی بر وارد بودن اعتراض، قانون موضوع رسیدگی کان لم یکن و از ابتدا باطل تلقی می‌گردد و این عطف بماسبق شدن ممکن است به حقوق مکتسبه لطمه وارد آورد». (خممی زاده، ۱۳۸۸: ۲۴)

در این درخواست، مراجع ذی‌صلاح باید بخش‌هایی که فاقد مبنای قانون اساسی و یا مغایر با آن است را مشخص کرده باشند. بعد از ثبت درخواست، رییس شورا نسخه‌ای از درخواست را برای برخی اعضا فرستاده تا طی ۱۰ روز، بر اساس ماده سی و پنجم قانون آیین‌نامه داخلی، گزارشی مشتمل بر خلاصه درخواست، واقعه و نکات قانونی و دستوری را به همراه پیشنهاد ارایه کنند. گزارش اعضا سری است و در مدت

۵ روز از ورود گزارشی که بر اساس ارجاع رییس شورا یک یا چند عضو تنظیم خواهند کرد؛ رییس، اعضا را برای تصمیم‌گیری دعوت می‌کند. به این ترتیب نسخه‌ای از تصمیم برای رییس جمهور، رییس مجلس نمایندگان و هیئت وزیران و همچنین روزنامه رسمی ارسال می‌گردد. شورا بر اساس ماده سی و ششم قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورا، حداکثر ۱۵ روز پس از انعقاد جلسه، تصمیم‌گیری خواهد کرد. بر اساس ماده (۳۷) با اعلام تصمیم، تمام یا بخش‌هایی از نص مغایر قانون اساسی باطل و کان لم یکن می‌گردد و در صورتی که شورا در مدت قانونی به نتیجه نرسد، قانون مزبور مجری خواهد بود و رییس شورا به مراجع مربوط اعلام خواهد کرد که شورا به نتیجه‌ای نرسیده است.

دائره‌ی شمول نظارت شورای قانون اساسی لبنان مطابق ماده (۱۸) قانون تشکیل شورای قانون اساسی شامل «قوانین و سایر نصوص دارای قدرت قانونی» است. از این عبارات تفاسیر متعددی ارائه شده است که البته عمومیت آن در نظریه تفسیری شورا (شماره ۹۶/۳ و ۲، قرار شماره ۴، مورخ ۱۹۹۶/۸/۷ در خصوص بررسی قانون اصلاح انتخابات) پذیرفته شده است؛ به این ترتیب نظارت شورای قانون اساسی لبنان، نظارت بر اجرای قانون اساسی و اصلاحات آن (مطابق ماده ۱۹ قانون اساسی)، قوانین عادی، قوانین بودجه سالیانه^(۳۳)، قوانین ناشی از معاهدات (بخش دوم ماده ۵۲ قانون اساسی)، قوانین مالی، مصوبات تفویضی^(۳۴) (قانونی)، تصمیمات دوره‌های اضطراری دولت که مجلس وجود ندارد^(۳۵) (همانند قرار ۱۴۴۹ مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۶۶)، آیین‌نامه‌های داخلی، احکام، قوانین مصوب مقامات طائفه‌ای (در خصوص احوال شخصیه مطابق اجازه قانون دوم آوریل ۱۹۵۱) و... را شامل می‌شود.

همچنین نظر به اینکه نظام حقوق اساسی لبنان نظامی طائفه‌ای - مذهبی است و در معرض شکنندگی قرار دارد، مسئله‌ای تفکیک قوا از مهم‌ترین مباحث و پرونده‌های شورا است. مسئله‌ای که بحث روز نظام‌های نهادمندی همانند فرانسه را نیز به خود اختصاص داده است.^(۳۶) در یکی از پرونده‌های اخیر شورا که توسط رییس جمهور طرح شده بود، رییس جمهور از شورای قانون اساسی بر اساس درخواست شماره ۱/۲۰۱۲ خواستار ابطال قانون شماره ۲۴۴/۲۰۱۲ مورخ ۲۰۱۳/۱۱/۱۳ تحت عنوان «قانون راجع به ارتقاء بازرسان حوزه امنیت عمومی که دارای مدرک حقوق از لبنان هستند»^(۳۷) شده بود چرا که از نظر وی حوزه اجرا با قانونگذاری خلط شده است.^(۳۸) شورا ادله رییس جمهور را می‌پذیرد و در رای مورخ ۲۰۱۲/۱۲/۱۷ اقدام به ابطال

قانون می‌کند.

۴-۲ تفسیر قانون اساسی

قانون اساسی یک نص قانونی کلی است که ممکن است قانونگذار برای آنکه اقتضائات آتی را بتواند در نظر داشته باشد از ورود به جزئیات خودداری کرده باشد و یا امکان برداشت‌های مختلفی را بر اساس مصالح خاصی تمهید کرده باشد. البته همیشه این کلی نویسی الزاماً خواسته‌ی قانونگذار نبوده است. به این ترتیب در چنین فرآیندی نیاز به تفسیر برای تبیین و حل نارسایی‌های قانون امری اجتناب ناپذیر است. (غممی، ۱۳۹۰: ۵۰۹-۵۱۰) به طور خاص، مجموعه قانون اساسی لبنان به واسطه‌ی نظام سیاسی ویژه‌ای که بر آن حاکم است ناگزیر از اعمال کارکرد تفسیر توسط شورای قانون اساسی است. این کارویژه در فرع (۲) و (۳) جزء (أ) بند (ب) بخش (۳) ماده (۱) سند پیمان ملی طائف (۱۹۸۹)^(۳۹) برای شورای قانون اساسی به صراحت در نظر گرفته شده است ولی در قانون تشکیل شورای قانون اساسی بشماره ۹۳/۲۵۰ به این کارکرد اشاره نشده و بعد از بحث‌های گسترده در مجلس نمایندگان، این صلاحیت برای شورا در ماده (۱۹) قانون اساسی^(۴۰) بیان نشده است. (شافی، ۲۰۰۸) برخی نمایندگان مجلس نمایندگان دادن این کارویژه به شورا را موجبی برای توسیع صلاحیت شورا می‌دانستند و آنرا وظیفه‌ی یک هیئت مستقل عنوان می‌کردند. در نتیجه شورا در تزامن این اسناد برای داشتن این صلاحیت نیازمند رأی دو سوم رأی مجلس است. (ar.aspx?ID=46_http://conseilconstitutionnelliban.com/sub)

۴-۳ رسیدگی به اعتراضات مربوط به انتخابات ریاست جمهوری و مجلس نمایندگان

بر اساس ماده (۴۱) قانون آیین‌نامه داخلی شورا، شورا مسئول نظارت بر صحت انتخابات ریاست جمهوری و ریاست مجلس نمایندگان است. رسیدگی به اعتراضات ناشی از موارد فوق بر اساس ماده بیست و سوم قانون تشکیل شورای قانون اساسی بشماره ۹۳/۲۵۰ (اصلاحی بر اساس قانون ۹۹/۱۵۰) با درخواست حداقل یک سوم کل اعضای مجلس در مهلت قانونی صورت می‌گیرد.

شورا حداکثر سه روز بعد از درخواست رسیدگی با دعوت رئیس شورا تشکیل جلسه می‌دهد و جهت رسیدگی از هر روش تحقیقی که لازم بداند بهره می‌برد. شورا در دور اول با حداقل هفت عضو و در دور دوم با اکثریت مطلق آراء تصمیم‌گیری

می‌کند. تا قبل از صدور حکم و یا در جریان آن، انتخابات مورد اعتراض صحیح فرض می‌شود. رئیس شورا رای را به رئیس جمهور، رئیس مجلس نمایندگان و رئیس هیئت وزیران ابلاغ می‌کند و در روزنامه رسمی نیز منتشر می‌گردد.

۴-۴ رسیدگی به انتخابات مجلس^(۴۱)

بر اساس ماده (۴۵) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورا، شورای قانون اساسی در خصوص صحت انتخابات مجلس نمایندگان و تصمیم‌گیری در خصوص اختلافات ناشی از آن مسئول است. هر نامزد بازنده یا وکیل وی که دارای وکالتنامه رسمی است حداکثر پس از سی روز از برگزاری انتخابات در هر حوزه‌ی انتخابی می‌تواند به صورت کتبی درخواست تجدید نظر خود را به شورا تقدیم کند. (ماده ۴۶) در این خصوص باید مواد (۲۵) تا (۲۸) قانون شماره ۹۳/۲۵۰ رعایت شده باشد. در این رابطه رئیس شورا از یک یا اکثریت - عند الاقتضاء - اعضا می‌خواهد گزارشی در خصوص دعوای مطروحه بنویسند. در این مورد مطابق ماده (۴۸)، عضو مذکور بر اساس تمامی اسناد و اطلاعات و تحقیقات لازم اقدام خواهد کرد و از تمامی اختیارات دادستان به غیر از صدور حکم بازداشت^(۴۲) برخوردار است. بعد از تهیه گزارش حداکثر ظرف یک ماه بنا بر دعوت رئیس، اعضای شورا گرد آمده و تصمیم‌گیری می‌کنند. نتیجه به صورت مکاتبه اداری به اطلاع رئیس جمهور، رئیس مجلس نمایندگان، وزیر کشور و خواهان می‌رسد.

تصمیمات شورا باید مطابق ماده (۵۳) مشمل باشد بر: «۱- اسامی اعضای که در صدور تصمیم شرکت داشته‌اند؛ ۲- اشاره به اوراق اساسی پرونده؛ ۳- بیان نصوص قانون اساسی و قانونی و اصول کلی قانون اساسی مبنایی؛ ۴- قضیه و استنادات قانونی تصمیم».

به عنوان نمونه، شورای قانون اساسی لبنان در خصوص درخواست ابطال انتخابات توسط ۱۲ نامزد انتخاباتی انتخابات^(۴۳) سال ۲۰۰۵ میلادی و انتخابات میان دوره‌ای سال ۲۰۰۷ میلادی، تحت عنوان «حمایت قانونی»^(۴۴) ورود پیدا کرد و آنها را مطابق تصمیم مندرج در روزنامه رسمی شماره ۳۴ مورخ ۲۰۰۹/۷/۱۶ علاوه بر جهات شکلی با این استدلال که طرح شکایت بیشتر به علل شخصی بوده تا منافع عمومی، رد کرد.^(۴۵)

جدول شماره (۲): مطالعه تطبیقی شورای قانون اساسی لبنان و شورای نگهبان ایران

شورای نگهبان ایران	شورای قانون اساسی لبنان	مشخصه	
۱۳۵۸ قانون اساسی	۱۹۸۹ بر اساس پیمان طائف	تاریخ تأسیس	۱
۱۲	۱۰	تعداد اعضا	۲
۶ نفر حقوقدان ۶ نفر فقیه دارای رتبهی اجتهاد	۸ - عضو قاضی یا استاد دانشگاه یا وکیل دارای ۲۵ سال سابقه‌ی حرفه‌ای ۲ - عضو دارای مدرک دکتری در رشته‌های حقوق و علوم سیاسی	شرایط لازم جهت عضویت	۳
۶ نفر حقوقدان با پیشنهاد رییس قوه قضاییه به انتخاب مجلس شورای اسلامی ۶ نفر فقیه به انتخاب رهبری	نیمی از آنها به انتخاب مجلس نمایندگان و نیمی دیگر به انتخاب هیئت وزیران	نحوه تعیین	۴
۶ سال	۶ سال	مدت ماموریت اعضا	۵
بدون قید	خیر	قابلیت تجدید دوره	۶
ندارند	دارند	مصونیت اعضا	۷
نسبت به انتخابات‌های ملی	نسبت به کلیه انتخابات ریاست جمهوری و مجلس و همچنین انتخاب رییس مجلس	صلاحیت انتخاباتی شورا	۸
۶ - نظارت قانون اساسی به صورت پیشینی ۶ - نظارت شرعی به صورت پیشینی و پسینی	کنترل پسینی قوانین مبتنی بر درخواست	صلاحیت کنترل قوانین مصوب مجلس	۹
صرفاً بر اساس شرع در اختیار ۶ نفر فقیه	دارد	صلاحیت کنترل مقررات هیئت وزیران	۱۰

۱۱	صلاحیت نظارت بر مقررات نهادهای عمومی و حکومتی دیگر	هر دارای الزام قانونی	صرفاً بر اساس شرع در اختیار ۶ نفر فقیه
۱۲	دادخواهی مبتنی بر قانون اساسی در مراجعه به شورا	در خصوص آزادی‌های مذهبی توسط سران مذهبی	ندارند

جمع‌بندی

از مهم‌ترین عوامل پایداری یک نظام حقوقی، جایگاه حاکمیت قانون است. کشور لبنان که به واسطه طائفه‌ای بودن دچار نوعی تزلزل همیشگی بوده و البته بر اساس پیمان طائف لازم است تا تعلقات مناصب سیاسی به سهمیه بندی‌های دینی - طائفه‌ای حذف گردد، اهمیت حاکمیت قانون، آن هم حاکمیت قانون اساسی بیش از هر چیز دیگری ضروری به نظر می‌رسد و بر همین اساس نیز، ایجاد نهاد ضامن قانون اساسی بیش از هر چیزی برای لبنان ارزشمند است. در لبنان، شورای قانون اساسی با الگوگیری از نهاد مشابه فرانسوی (شورای قانون اساسی فرانسه) به عنوان یک نهاد مستقل صیانت‌کننده از قانون اساسی محسوب می‌گردد. نهادی که خود نیز تا حدودی دچار تلاطم‌های ذاتی نظام حقوقی لبنان است. صلاحیت شورا شامل نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری و ریاست مجلس و انتخابات مجلس شورای ملی البته منوط به درخواست حداقل یک سوم کل اعضای مجلس می‌باشد و همچنین شورا می‌تواند به هر مصوبه‌ای اعم از قانون یا مصوبه‌ای که اعتبار و ارزش قانونی دارد رسیدگی و آن را از ابتدا کان لم یکن عنوان نماید. تفسیر مفاد مجموعه قانون اساسی لبنان که از اسناد متعددی تشکیل می‌گردد نیز بر عهده شورا است.

شورا در رسیدگی‌هایش باید مستند و مستدل و مطابق زمان بندی اعلام رای کند و هر عضو نیز موظف است به طور فعال و موثر در جلسات شرکت نموده و حتی «گزارش بررسی» تهیه کند. عدم انجام تکالیف قانونی توسط اعضا موجب لغو عضویت آنها می‌گردد. به این ترتیب شورا به صورت کارتری می‌تواند وظایف قانونی خود را دنبال کند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی و عربی:

۱. پروین، خیرالله (۱۳۸۶)، «بررسی نظام حقوق اساسی لبنان»، نشریه حقوق اساسی، شماره هشتم، تابستان.
۲. خماسی‌زاده، فرهاد (۱۳۸۸)، «نظارت بر مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی»، دانشگاه علوم اسلامی رضوی: آموزه‌های حقوقی، شماره ۱۲، تابستان.
۳. شافی، نادر عبد العزیز (۲۰۰۸)، «المجلس الدستوري اللبناني»، مجلة الجیش، العدد ۲۷۷، تموز.
۴. فارو، لویی (۱۳۸۸)، دادگاه‌های قانون اساسی، ترجمه دکتر علی اکبر گرجی از ندریانی، تهران: میزان.

ب) لاتین:

- 1) F. Salloukh, Bassel (September 2006). "The Limits of Electoral Engineering in Divided Societies: Elections in Postwar Lebanon". Canadian Journal of Political Science 39 (3).
- 2) Krayem, Hassan (2012) The Lebanese civil war and the Taif agreement". American University of Beirut.
- 3) Krayem, Hassan (1997), "The Lebanese civil war and the Taif agreement". American University of Beirut.
- 4) Neal, Mark W.; Richard Tansey (2010). "The dynamics of effective corrupt leadership: Lessons from Rafik Hariri's political career in Lebanon". The Leadership Quarterly 21.
- 5) Robbers, Gerhard (2007), Encyclopedia of World Constitutions, New York: Facts On File.
- 6) Salamey, Imad (Autumn/Winter 2009). "Failing Consociationalism in Lebanon and Integrative Options". International Journal of Peace Studies 14.
- 7) Salamey, Imad (Autumn/Winter 2009). "Failing Consociationalism in Lebanon and Integrative Options". International Journal of Peace Studies 14 (2).
- 8) Ziser, Eyal (2000), Lebanon: The Challenge of Independence, I.B.Tauris.

ج) پایگاه‌ها:

- 1) <http://www.conseilconstitutionnelliban.com>.
- 2) <http://www.rebuildlebanon.gov.lb>.
- 3) <http://www.presidency.gov.lb>.

(د) قوانين

- (١) قانون اساسى ١٩٢٦ لبنان.
- (٢) پيمان طائف اكتوبر ١٩٨٩.
- (٣) «قانون شورى قانون اساسى و نظامنامه داخلى» به شماره ١٩٩٣/٢٥٠ مورخ ١٩٩٣/٧/١٥.
- (٤) قانون شماره ١٩٩٤/٣٠٥ مورخ ١٩٩٤/٣/٢١.
- (٥) قانون شماره ١٩٩٩/١٥٠ مورخ ١٩٩٩/١٠/٣٠.
- (٦) قانون مورخ ٢٠٠٦/٦/٩.
- (٧) قانون شماره ٢٠٠٨/٤٣ مورخ ٢٠٠٨/١١/٣.
- (٨) قانون شماره ٣٠ مورخ ٢٠٠٦/٦/١٢. (صحح خطأ مطبعى فى نشر القانون فى عدد الجريدة الرسمية رقم ٥٠ تاريخ ٢٠٠٦/١٠/١٩ قانون تعديل بعض مواد القانون رقم ٩٣/٢٥٠ تاريخ ١٩٩٣/٧/١٤ وتعديلاته (إنشاء المجلس الدستوري)).

یادداشت‌ها

1. parliamentary democratic republic.

2. confessionalism – confessionalisme.

٣. المجلس الأعلى المنصوص عنه في الدستور.

٤. به این ترتیب بعد از قانون اساسی مشروطه در ایران، دومین قانون اساسی خاورمیانه محسوب می‌گردد.

5. National Reconciliation Accord, or Document of National Accord.

٦. اتفاقية الطائف.

٧. این پیمان با ابتکار نمایندگان بازمانده مجلس ۱۹۷۲ لبنان و شخص رئیس پارلمان، حسین الحسینی و همکاری فعال عربستان و آمریکا – و همراهی سوریه – و به کمک جمهوری اسلامی ایران منعقد (Salamey, 2009: 83–105) و در ۲۲ اکتبر ۱۹۸۹ امضا و در ۵ نوامبر ۱۹۸۹ به تصویب پارلمان لبنان رسید.

٨. العيش المشترك.

mutual coexistence.

٩. جمهورية ديمقراطية برلمانية،

10. Maronite Christian community.

11. Premarani , Somasundram, (2 August 2006). "Lebanon: Return to the dark ages". IDSS Commentaries. 2 July 2012.

12. Robbers, Gerhard (2007), Encyclopedia of World Constitutions, New York: Facts On File, p: 520.

13. Robbers, Gerhard (2007), p: 522.

١٤. إلغاء الطائفية السياسية، political sectarianism abolition of

١٥. مبدأ الانسجام بين الدين والدولة.

١٦. الأحوال الشخصية.

١٧. حرية المعتقد وممارسة الشعائر الدينية.

١٨. حرية التعليم الديني.

١٩. الميليشيات اللبنانية وغير اللبنانية

۲۰. الجبهة الشعبية لتحرير فلسطين - القيادة العامة

Popular Liberation Front of Palestine – General Command (PLFP_GC)

این سازمان چپ‌گرای سیاسی و نظامی فلسطینی در سال ۱۹۶۸ توسط احمد جبرئیل با انشعاب از جبهه مردمی برای آزادی فلسطین تأسیس شد.

۲۱. قوات الطوارئ الدولية.

۲۲. قانون المجلس ونظامه الداخلي، قانون رقم ۲۴۳، النظام الداخلي للمجلس الدستوري.

23. Sykes.Picot agreement (Asia minor agreement).

۲۴. پیش از اینکه رئیس جمهور زمام امور را بدست گیرد در برابر اعضای مجلسین با عبارات ذیل سوگند وفاداری به ملت لبنان و قانون اساسی یاد می‌کند: «به پروردگار متعال سوگند یاد می‌کنم که به قانون اساسی و قوانین ملت لبنان احترام گذارده و حافظ استقلال لبنان و تمامیت ارضی کشور باشم».

۲۵. جنحه شائنة.

۲۶. النائب العام لدى محكمة التمييز.

۲۷. لقانون رقم ۲۵۰ الصادر به تاريخ ۱۹۹۳/۷/۱۴، المعدل بالقانون رقم ۱۵۰ الصادر به تاريخ ۱۹۹۹/۱۰/۳۰، إنشاء المجلس الدستوري: يتم اختيار أعضاء المجلس الدستوري من بين القضاة السابقين الذين مارسوا القضاء العدلي أو الإداري أو المالي مدة عشرين سنة على الأقل أو من بين الاساتذة الاصيلين السابقين أو الحاليين في التعليم العالي الذين مارسوا تعليم مادة من مواد القانون عشرين سنة، أو من بين المحامين الذين مارسوا مهنة المحاماة عشرين سنة على الأقل.

- عند نهاية الست سنوات المحددة لولاية عضو المجلس الدستوري يحق له تعويض يعادل بدل سنة واحدة يحسب على اساس اعلى ما تقاضاه شهرياً من مخصصات يدفع له او لورثته اذا لم يكمل ولايته لسبب العجز الصحي المثبت وفقاً للاصول او لسبب الوفاة شرط ان يكون قد خدم ثلاث سنوات على الاقل.

- يعطى تعويض يعادل بدل نصف سنة لمن سقطت عضويته بالقرعة.

- يفقد العضو هذه الحقوق اذا استقال لاي سبب آخر.

- اما القضاة العاملون الحاليون واساتذة التعليم العالي الاصيلون فيعتبرون به حكم المتدربين ويعودون الى ممارسة عملهم في القضاء او في الجامعة عند انتهاء عضويتهم في المجلس الدستوري وتحسب لهم فترة عملهم بمثابة خدمة فعلية ويحتفظون بحقوقهم في التدرج وذلك مع التقيد بانظمة التقاعد والصرف من الخدمة.

۲۸. المؤتمرات الدستورية التي يعقدها المجلس الدستوري في لبنان او التي يدعى اليها

خارج لبنان.

٢٩. مجلس دستوري.

٣٠. المادة التاسعة عشرة: لكل من رئيس الجمهورية ورئيس مجلس النواب ورئيس مجلس الـوزراء ولعشرة أعضاء من مجلس النواب على الأقل مراجعة المجلس الدستوري في ما يتعلق بمراقبة دستورية القوانين. لرؤساء الطوائف المعترف بها قانوناً حق المراجعة في ما يتعلق - ق حصرها بالأحوال الشخصية وحرية المعتقد وممارسة الشعائر الدينية وحرية التعليم الديني. تقدم المراجعة من قبل المرجع المختص إلى رئاسة المجلس الدستوري خلال مهلة خمسة عشر يوماً تلي نشر القانون في الجريدة الرسمية أو في إحدى وسائل - ل النشر الرسمية الأخرى المعتمدة قانوناً، تحت طائلة رد المراجعة شكلاً. (لقانون رقم ٢٥٠ الصادر به تاريخ ١٩٩٣/٧/١٤)

المعدل بالقانون رقم ١٥٠ الصادر به تاريخ ١٩٩٩/١٠/٣٠، إنشاء المجلس الدستوري

31. Robbers, Gerhard (2007), p: 523.

٣٢- وسائل النصوص التي لها قوة القانون.

٣٣- الموازنة العامة السنوية.

٣٤- المراسيم الاشتراعية.

٣٥- القرارات التشريعية.

36. http://www.conseilconstitutionnelliban.com/decision_fr.aspx?ID=219

37. **relative** à la promotion d'inspecteurs à la Direction générale de la Sûreté générale détenteurs de la Licence libanaise en droit

38. http://www.conseilconstitutionnelliban.com/decision_fr.aspx?ID=219.

٣٩. « (٢) ينشأ مجلس دستوري لتفسير الدستور ومراقبة دستورية القوانين والبت في النزاعات والطعون الناشئة عن الانتخابات الرئاسية والنيابية. (٣) للجهات الآتية ذكرها حق مراجعة المجلس الدستوري في ما يتعلق به تفسير الدستور ومراقبة دستورية القوانين:

أ- رئيس الجمهورية.

ب- رئيس مجلس النواب.

ج - رئيس مجلس الوزراء.

د- نسبة معينة من أعضاء مجلس النواب".

٤٠. «المادة ١٩ (المعدلة) بالقانون الدستوري الصادر في ١٧/١٠/١٩٢٧ او بالقانون الدستوري الصادر

في ١٩٩٠/٩/٢١):

ينشأ مجلس دستوري لمراقبة دستورية القوانين والبت في النزاعات والطعون الناشئة عن الانتخابات الرئاسية والنيابية. يعود حق مراجعة هذا المجلس في ما يتعلق بمراقبة دستورية القوانين إلى كل من رئيس الجمهورية ورئيس مجلس النواب ورئيس مجلس الوزراء أو إلى عشرة أعضاء من مجلس النواب، وإلى رؤساء الطوائف المعترف بها قانوناً في ما يتعلق حصراً بالأحوال الشخصية، وحرية المعتقد وممارسة الشعائر الدينية، وحرية التعليم الديني. تحدد قواعد تنظيم المجلس أصول العمل فيه وكيفية تشكيله ومراجعته بموجب قانون".

٤١. الانتخاب - ات النيابة - ة.

٤٢. اصدار مذكرات التوقيف.

43. Zouhair elKhatib (élections partielles à Beyrouth, 2007), Najah Wakim,

Fouad Turk, Pierre Daccache, Talal Arslan, Hikmat Dib, Muhsen Dalloul, Youssef Maaloouf, Mikhail Daher, Gebran Bassile, Fayiz Karam, Salim Azar (élections 2005).

44. protection juridique.

45. http://www.conseilconstitutionnelliban.com/decision_fr.aspx?ID=61

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایضا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



مرکز تحقیقات شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir